

در کنار رهبران بزرگ

فرماندهان بزرگ شکل می‌گیرند

گفت‌وگو با دکتر موسی نجفی، استاد تمام و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هیچ وقت با قیام مسلحانه موافق نبودند، مثلاً مأمورهای یک حکومت را بگیریم و بکشیم، حتی در حکومت شاه. چون نظر مثبتی به این کار نداشتند، می‌گفتند مردم باید بیدار شوند و با حرکت‌های ترور و تروریستی اصلاً موافق نبودند. ایشان می‌گفتند وقتی مردم بیدار شوند، خودشان حرکت می‌کنند اما برخی آن ایده‌ای را که اول مصاحبه از آن یاد شد در کشورهای دیگر جلو بردند و چون کار نپخته‌ای درآمد، ضررش از نفعش بیشتر بود.

بعد وقتی که آن جریان نابود شد و امام حساسیت نشان دادند، آن قضیه انحرافی از بین رفت. آرام آرام در سپاه این حرکت به قضیه سپاه قدس تبدیل شد. به خصوص بعد از فرماندهی حاج قاسم یک نظم و نسقی هم گرفت. به نظر من کار مهم حاج قاسم در صدور انقلاب این بود که جنبه سخت‌افزاری صدور انقلاب را اول به نرم‌افزار تبدیل کرد و دوم بحث صدور انقلاب را، ایشان طبیعی مطرح کرد نه مهندسی شده؛ این هر دو مهم است. شاید بگوییم پس ورود ایشان به قضیه داعش یا رفتن ایشان به فلسطین چه بوده؟ آنها جنبه تدافعی داشته، یعنی دشمن مانع ایجاد می‌کرد و اصلاً قضیه سوریه برای کشور جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت هم خطرناک بود و اینجا دیگر نمی‌شد فقط کار نرم‌افزاری کرد و کار سخت‌افزاری هم لازم بود. منتها نرم‌افزار اولویت داشت ولی آن هم در هماهنگی با دستگاه‌های دیپلماتی، وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و

انقلاب اسلامی ایران از روز اول نگاه تمدنی داشت و هیچ‌گاه خود را محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌دید؛ هرچند ایران اساسی‌ترین پشتیبان و محل قدرت‌گیری انقلاب اسلامی بود و ویژگی‌هایی داشت که باعث تمایز انقلاب اسلامی ایران از دیگر انقلاب‌ها می‌شد. طی سال‌های پس از انقلاب، نهادهای زیادی برای ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی تأسیس شد که شاید موفق‌ترین آنها سپاه قدس و به‌ویژه در دوره فرماندهی شهید سلیمانی بود. این موضوع چالشی را در مصاحبه با دکتر موسی نجفی بررسی کردیم. نجفی که نگاه تاریخی و تمدنی به موضوعات روز کشور دارد، با تشبیه شهید سلیمانی به یکی از سرداران دوران صفوی، به صورت ضمنی ایران فعلی را با زمان اوج اقتدار دوره صفویه - یعنی دوره شاه‌عباس - مقایسه کرد.

یکی از بحث‌های مهم در انقلاب اسلامی بحث تمدن اسلامی است. از ابتدای فعالیت‌های امام خمینی (ره) و دیگر مبارزان مشخص بود که انقلاب اسلامی محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌شود. اوج این فعالیت را می‌توان در دوره مدیریت شهید سلیمانی در سپاه قدس و نتیجه آن را در منطقه مشاهده کرد. آیا شما این تحلیل تاریخی را قبول دارید و آن را یک حرکت رو به جلو و موفق می‌دانید؟

ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی در سپاه یک واحدی درست شد که البته مدتی بعد به انحراف رفت به نام «واحد نهضت‌ها» که سیدمهدی هاشمی معدوم هم این حرکت را دست گرفت و یک حرکتی شد

که اینها به کشورهای دیگر می‌رفتند و حتی با برخی کشورها مانند لیبی ارتباط داشتند. یک مدتی هم شهید محمد منتظری این فکر را جلومی‌برد، ولی این افراد اول انقلاب خیلی برای صدور انقلاب عجله داشتند و فکر می‌کردند مشکل صدور انقلاب، سخت‌افزار است. همین امر باعث شد اینها انقلاب را درست نشناسند که بخواهند درست آن را معرفی کنند، هم خیلی عجله داشتند که بقیه آن کشورها را به هم بریزند. این امر باعث ایجاد بدبینی و ناهماهنگی زیادی در کل کشور و منطقه نسبت به ایران شد و این تصور به‌وجود آمد که اینها شاه را سرنگون کردند، حالا نوبت ماست و کشورهای دیگر در مقابل انقلاب اسلامی از اول گارد گرفتند. از این موقعیت تنها کسی که استفاده کرد صدام بود. نه این‌که آنها آدم‌های علیه‌السلامی بودند، آنها بعضی‌های‌شان آدم‌های نوک‌رصفی بودند اما نوک‌رصفی هم درجه دارد. آنها وقتی احساس کردند ایران یا آن واحد نهضت‌ها می‌خواهد صدور انقلاب کند و سر وقت آنها برود، آنها هم سرکوب‌شان شدیدتر شد به حدی که کلام‌های‌شان را روی انقلاب

بستند و احتمالاً بیشتر به دامان آمریکا رفتند؛ یعنی همه اینها ضرری بود که آن موقع از این کار نپخته و نسنجیده پیدا شد. به‌طور طبیعی وقتی انقلاب خودش را محکم و مستحکم می‌کرد، خودش را صادر می‌کند. اینها می‌خواستند یک جواری خودش را متولی و مثلاً نماینده این کار کنند که واقعا هم نبودند!

مسئولان انقلاب تصمیم گرفته بودند که انقلاب خودش را در مجامع بین‌المللی و در بین ملت‌ها مطرح کند. امام خمینی (ره) هم روش خاص خودش را داشتند. می‌دانید امام (ره)